

اشاره به گریه و شادی در قرآن*

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً وَ لْيَبْكُوا كَثِيراً جِزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، پس ایشان باید اندکی بخندند و بسیار بگریند به مکافات آنچه به دست خود کسب کرده‌اند. (آیه ۸۲ سوره توبه)

خنده و گریه کنایه از خوشبختی و بدبختی است و هر خردمندی می‌پذیرد که بهتر است رنج کوتاهی را تحمل کرد و از شادی و خوشبختی بی‌پایان برخوردار شد تا آنکه آدمی به غفلت دوران کوتاهی خنده مستانه کند و از آن پس عمری محروم و در رنج و محنت باشد و در فراق مطلوبات خود که توان بدست آوردنش را از دست داده بگرید.

این آیه اشاره به کافران دارد که به سبب غفلت و پیروی هواهای نفسانی زمانی کوتاه می‌خندند اما باید در انتظار گریه‌های بسیار باشند و شک نیست که برای به دست آوردن خنده پایدار باید رنج‌ها و گریه‌های کوتاه مدت را از سر گذرانید و بدون آن گریه شخص شایسته خنده‌های پایدار نخواهد بود:

بیموزم تو را گر کار بندی	که بی‌گریه زمانی خوش بخندی
چو خندان گردی از فرخنده فالی	بخندان تنگدستی را به مالی

نظامی، خسرو شیرین

مقصود نظامی این است که از خنده بی‌گریه که شادی حقیقی است نمی‌توان چشم فرو بست. از این رو باید گریه‌ها و سختی‌های راه رسیدن به خنده را تحمل نمود.

بعضی از مدعیان دین و دیانت را چنین در خاطر آمده است که مومن بهتر است بیشتر بگرید و کمتر بخندد و به آیه حاضر استناد می‌کنند در حالی که این آیه قطعاً اشاره به کافران دارد (به آیه قبل از آن در این سوره مراجعه کنید) و گریستن به معنی غمگین و محزون بودن شأن مومن نیست بلکه نشان ایمان خنده و شادی است چنانچه در حدیث نبوی آمده است **المومن هَشُّ بَشٍّ، بَسَامٌ**، و در قرآن نیز مکرر آمده است که اهل ایمان و پرهیزگاران از خوف و حزن آسوده‌اند.

* حسین الهمی قمشه‌ای، ۳۶۵ روز با قرآن، صفحات ۲۸۹ و ۲۹۰

مومنان را از نبوت شادی است

همچو سرو و سوسن آزادی کنید

مثنوی

مرا قولی ست با جانان که جانان جان من باشد

دیوان شمس

چون به آزادی نبوت هادی است

ای گروه مومنان شادی کنید

مرا عهدی ست با شادی که شادی آن من باشد

یکی از اوصاف برجسته پیامبر متبسم بودن و گشاده‌رو بودن اوست.

شادی حقیقی که ثروت معنوی انسان است بیش از همه در اصحاب علم و هنر و اخلاق یافت می‌شود و اما خندهٔ قلیل و گریهٔ کثیر سهم کسانی است که چند روزی به ظلم و جور بر اسباب شادی و طرب حاکم می‌شوند و چون خرس رقصی بی‌مقصد می‌کنند تا به ناگاه پرده فرو افتد و از ظلمت و محرومیت خود آگاه می‌شوند.